



در نشست «آسیب‌شناسی فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران» مطرح شد:

جای خالی عقلانیت عملی

نشست «آسیب‌شناسی فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران» روز سه‌شنبه هشتم اسفندماه ۹۶ در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری برگزار شد. در این نشست دکتر علیرضا علوی‌تبار به بررسی علمی فرآیند سیاست‌گذاری در ایران پرداخت.

در ابتدای این نشست، دکتر علوی‌تبار به بررسی مفهومی واژه پرداخت و ضمن بیان ترجمه‌های موجود درباره این واژه، دو واژه خط مشی (ترجمه مطلوب از نظر علم مدیریت) و سیاست (ترجمه مطلوب از نظر علوم سیاسی) را ترجمه متداول این واژه بیان کرد.

پس از بررسی مفهومی واژه خط مشی، ایشان به بیان سه آسیب در فرآیند سیاست‌گذاری در ایران پرداخت. بیان شد که این سه آسیب ریشه‌ای تاریخی دارد و صرفاً متوجه به فضای سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه این آسیب‌ها را می‌توان در دوران رژیم گذشته نیز مشاهده کرد. این سه آسیب عبارت‌اند از:

نبود عقلانیت عملی: به این معنا که میان اهداف و وسیله‌های تعیین‌شده برای دستیابی به آن اهداف تناسبی وجود ندارد. ناسازگاری: به این معنا که قوانین و خط‌مشی‌ها نه تنها یکدیگر را تعیین نمی‌کنند که گاهی نیز در مقابل هم قرار می‌گیرند و برای تحقق خط‌مشی‌های دیگر خلل ایجاد می‌کنند. ناپایداری: به این معنا که سازمان یا نهادی وجود ندارد که سرنوشت قوانین و خط‌مشی‌ها را بررسی کند و به علاوه، هیچ تلاشی از سوی نهادهای حکمرانی برای حمایت از قوانین و خط‌مشی‌های تعیین‌شده وجود ندارد.

دکتر علوی‌تبار، در ادامه، بیان کرد که این سه مشکل سابقه‌ای تاریخی دارد و وقتی تکرار و فراوانی این اشتباهات بیش از اندازه شود، می‌توان ادعا کرد که یک خطای سیستماتیک وجود دارد. سپس، ایشان با اشاره به مدل سیستمی سیاست‌گذاری بیان گفت که خط‌مشی برون‌داد سیستم است و در سیستم سیاست‌گذاری کشور ایران، سه خرده سیستم وجود دارد: شکل‌گیری، اجرا و ارزشیابی. این سه خرده سیستم در تعامل با یکدیگر به شکل‌گیری خط‌مشی می‌انجامد. نیازها، خواسته‌ها، تقاضا، حمایت‌ها و منابع به عنوان ورودی‌های سیستم سیاست‌گذاری عمل می‌کنند.

پرسش بعدی که توسط دکتر علوی‌تبار مطرح شد این بود که متغیرهای دیگری نیز وجود دارد که در تبیین و اثرگذاری بر سیستم دخیل هستند. این متغیرها چیست و هر کدام چه جایگاهی دارند؟ ایشان با بیان این که برای تحلیل وضعیت

سیاستگذاری در ایران باید به مدل نظری مشخص دست یافت، مدل نظری اقتصاد سیاسی را مدل مناسب برای تحلیل فرایند سیاستگذاری در ایران دانست. ایشان مدل نظری اقتصاد سیاسی را ترکیبی از اقتصاد، سیاست و علوم اجتماعی دانست و این سه علم را در تحلیل اقتصاد سیاسی مؤثر و دخیل دانست.

بخش میانی صحبت ایشان به بررسی متغیرهای دخیل در اقتصاد سیاسی اختصاص پیدا کرد و سه متغیر خرد در رابطه با اقتصاد سیاسی مطرح شد. این سه متغیر عبارت‌اند از: ساختار حکومت، نیروهای اجتماعی و تکنولوژی. دکتر علوی تبار با بیان این که ساختار حکومت نقش مهم‌تری در مقایسه با سایر عوامل دارد، دو مسئله اساسی را در ساختار حکومت مطرح ساخت:

ساختار چندوجهی: ساختار حکومتی ایران ترکیبی است از ساختار حکومتی کاریزماتیک، الیگارشسی و دموکراسی که هر کدام از آن‌ها به لحاظ شیوه حکمرانی و پایه‌های مشروعیت، با هم تفاوت دارند. حکومت ناسازگار: کارکردهای دولت را در یک طیف می‌توان قرار داد که یک سر آن را حکومت کلاسیک (حکومتی که دخالت کمتری در جامعه دارد و عهده‌دار ایجاد امنیت است) و سر دیگر آن را حکومت متمرکز (حکومتی که در همه ابعاد جامعه دخل و تصرف دارد) تشکیل می‌دهد. سایر انواع حکومت را می‌توان در این طیف قرار داد. این طیف جنبه تجمعی دارد و یک حکومت در هر جای این طیف قرار گیرد، باید ویژگی حکومت‌های قبل خود را داشته باشد. نبود چنین وضعیتی به ناسازگاری منجر می‌شود.

ایشان پس از بررسی آسیب‌ها و مشکلات سیاستگذاری در ایران راهکارهای پیشنهادی خود را مطرح کرد:

افزایش ظرفیت ملی خط‌مشی‌گذاری
افزایش ظرفیت رسانه‌ها
استفاده از ظرفیت نهادهای پژوهشی
استفاده از ظرفیت احزاب سیاسی
افزایش ظرفیت شهروندی

این نشست پس از پرسش و پاسخ حاضران، ساعت ۱۷:۳۰ به پایان رسید.

گزارش تفصیلی این نشست به‌زودی در سایت مرکز بارگذاری خواهد شد.